

بررسی و مقایسه عدالت^۱ بین زوجین رضایتمند و دارای تعارض محمود بهمنی^۲

مرکز خدمات مشاوره و روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی پارس شهر (استان فارس)

سید رضا فلاخ‌چای

دانشیار، گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان

اقبال ذارعی

دانشیار، گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان

دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۲۴ پذیرش مقاله: ۹۰/۸/۱۸

چکیده

زمینه و هدف: براساس فرض‌های نظریه‌ی برابری، روابط شکل داد و ستدی دارد و افراد وقتی هزینه‌های بیشتری را متتحمل و سودهای کمتری را نسبت به چیزی که مستحق آن بوده‌اند، دریافت کنند، دچار نارضایتی و پریشانی در روابط خود می‌شوند. این پژوهش به بررسی و مقایسه عدالت در بین زوجین رضایتمند و دارای تعارض می‌پردازد.

روش: این پژوهش توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه این پژوهش را زوجین مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مشاوره و همچنین زوجین شرکت کننده در کارگاه‌های آموزش خانواده اداره بهزیستی شهر بندرعباس تشکیل دادند و نمونه آن، ۱۰۰ زوج (۵۰ زوج رضایتمند و ۵۰ زوج دارای تعارض) را که به صورت روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند شامل می‌شد. زوجین شرکت کننده به پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی هودسن و نیز پرسشنامه‌ی محقق ساخته عدالت زناشویی پاسخ داده‌اند. روایی و پایابی هر دو پرسشنامه رضایت‌بخش بوده، برای تعزیزی و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چند متغیری (ANCOVA) استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های اصلی پژوهش نشان داد که در میزان عدالت و مولفه‌های آن تفاوت معناداری بین زوجین رضایتمند و زوجین دارای تعارض وجود دارد. علاوه بر آن در عدالت و همه مولفه‌های آن به جز مولفه‌ی توجه به نیازهای یکدیگر، تفاوت معناداری بین زن و مرد یافت شده است و زنان ناعادالتی بیشتری را در روابط خود احساس می‌کنند.

نتیجه گیری: در ایران شاهد تغییراتی در ساختار خانواده، همچون تغییر در الگوهای تقسیم مسؤولیت و قدرت و افزایش تساوی‌گرایی در زنان بوده‌ایم، اما هنوز باورهای جنسیتی در مورد نقش زنان در خانواده، تغییر مشابه و همراستایی نداشته‌اند. این عامل موجب ایجاد احساس ناعادالتی و به تبع آن نارضایتی در زوجین خصوصاً زنان شده است.

کلید واژه‌ها: عدالت، مسئولیت‌های خانواده، قدرت زناشویی، زوجین

۱- در ادبیات مدیریت **هفتم فهم** لب را «نظریه‌ی برابری» ترجمه می‌کنند، ولی این ترجمه صحیح نیست. در زبان انگلیسی و به خصوص در ادبیات عدالت سازمانی با دو واژه **متمايز هفتم فهم** لب مواجه هستیم: **هفتم فهم** لب به معنای «تساوی» و داشتن ارزش برابر در بعد ریاضی و دقیق آن می‌باشد، در حالی که **Equity** به معنی انصاف، عدالت و عدم تبیض است (2004 **ولاع گفتب پهلوان** پهلوان و علی‌اکبر).

۲- آدرس نویسنده‌ی مسؤول: مرکز مشاوره خدمات روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی پارس، شهر مهر، فارس. تلفکس: (۰۷۸۲) ۶۵۲۳۲۰۰.

کنگفونگ خاف کنگ غمعونگ گنگ غمعونگ ؟

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده یکی از مهم‌ترین پدیده‌های زندگی است که می‌تواند موجبات رشد و شکوفایی توانایی‌های و هم‌چنین تأمین نیازهای مختلف انسان و به دنبال آن آرامش روانی را فراهم آورد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸). با وجود اهمیت و کارکردهای مهم ازدواج، پدیده‌ایی که همواره باید مورد توجه قرار گیرد، بروز کشمکش و تعارض به عنوان جزء جدانشدنی و همیشگی در ازدواج و روابط زناشویی است که اگر زوجین نتوانند آن را به خوبی حل کنند آثار مخربی برای زوجین و فرزندان در خانواده به همراه می‌آورد (ثایی ذاکر، ۱۳۷۵). در این راستا محققان در تحقیقات خود، به ارتباط میان تعارض زناشویی و متغیرهای گوناگونی از جمله: اختلال در خوردن (رسولی و همکاران، ۱۳۸۷؛ بیماری‌های جسمی و روانی (شمنیگ^۱ و شر^۲، ۱۹۹۷)؛ طلاق و الکلیسم در مردان (اوفارل و دیگران^۳، ۱۹۹۱)؛ احتمال افزایش طلاق و آثار مخرب آن (دیویس^۴ و کامینگ^۵، ۱۹۹۴) پی برده‌اند. تعارض زناشویی، هم‌چنین با بعضی از کارکردهای خانواده از قبیل تربیت ضعیف (ایرل^۶ و برمن^۷، ۱۹۹۵) و کاهش سازگاری فرزندان (گریج^۸ و فینکم^۹، ۱۹۹۰) ارتباط نشان داده است.

از دیدگاه نظری می‌توان گفت که ساختار خانواده و به تبع آن منابع تعارض، تحت تاثیر مراحل مختلف تحولی در خانواده و تاثیرات و تغییرات مختلف اجتماعی، دچار تغییر می‌شود (فرید، ۱۳۸۱). امروزه تغییرات مختلف اجتماعی، خانواده و روابط زناشویی را دچار تغییراتی کرده است. برای مثال در گذشته‌ایی نه چندان دور در خانواده‌گوهای نقش جنسیتی پر رنگ بودند، یعنی اینکه مردها مسؤولیت کارهای بیرون و زن‌ها کارهای درون خانه را برعهده داشتند. هم‌چنین زنان از قدرت اندکی در جامعه و خانواده برخوردار بوده، جامعه و خانواده شکل مردسالار به خود داشته است (آصف‌زاده، ۱۳۸۵). ولی امروزه از طرفی مشکلات اقتصادی و تغییر در انتظارات خانواده‌ها، درآمد بیشتر را برای خانواده‌ها ضروری ساخته است و از طرفی زنان علاقه‌مندی بیش‌تری به شکوفایی و رشد توانمندی‌ها و علایق خود در بیرون از خانه پیدا کرده‌اند که خود باعث افزایش حضور آن‌ها در مجتمع علمی و بازار کار شده است (نظری، ۱۳۸۷).

۱. ب. ج. فکفع. غعد.
۲. ذ. ر. لاغ. غذ.
۳. O'Farrell
۴. قفع. مغ. قفع.
۵. ر. لاغ. فرع. ب.
۶. چ. پ. لفک. مه.
۷. د. قفع. لاد.
۸. ذ. چ. لاغ. ب.
۹. ث. ح. بعلة. ذ.
۱۰. ر. ک. هفت.

این تغییرات نیز از نگاه آمار کاملاً مشهود است به طوری که آمار زنان شاغل و به تبع آن زنان تحصیل کرده در ایران ، از ۸/۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۷/۵ درصد در سال ۸۹ افزایش یافته است(مرکز آمار و اطلاعات زنان، ۱۳۸۹). با توجه به این تغییرات ضرورت چنین پژوهش از آن جا آغاز می شود که امروزه الگوهایی از جمله تقسیم مسؤولیت‌ها، تقسیم منافع و قدرت در خانواده و روابط زناشویی تغییر کرده ولی با این وجود، تغییرات مشابهی در ساختار خانواده و باورهای جنسیتی در مورد تقسیم قدرت و مسؤولیت‌ها در خانواده به وجود نیامده است که این خود باعث ایجاد نارضایتی در بین زوجین خصوصاً زنان شده است (وبستر^۱ و رایس^۲، ۱۹۹۶).

نظریه برابری یکی از نظریاتی است که از حوزه این تغییرات به تبیین تعارضات و نارضایتی زوجین می‌پردازد. این نظریه ابتدا در علم اقتصاد بعدها توسط والسترو همکارانش^۳(۱۹۷۵) در جامعه شناسی و روانشناسی مورد استفاده قرار گرفتند. نظریه‌ی برابری بر این اعتقاد است که روابط افراد بر پایه‌ی محاسبه‌های هزینه و سود(دریافتی)^۴ دور می‌زند (هاتفیلد و راپسون، ۲۰۱۱)، یعنی افراد با مهم دانستن مقدار هزینه (درونگذاشت) هایی که در روابط متتحمل و سود (دریافتی) هایی که در روابط متقابل خود به دست می‌آورند به بررسی مقدار تناسب این دو خواهند پرداخت. هزینه‌ها در حقیقت مقدار سودهایی است که هر کدام برای دیگری داشته و فعالیتی که هر زوج برای جلب رضایت دیگری و بالا بردن کیفیت رابطه طرفین انجام می‌دهند و سودها نیز مقدار منافع و جنبه‌های مثبتی است که فرد از زوج دیگری در رابطه، می‌تواند به دست آورد که از جمله می‌توان به مشارکت دادن در تصمیم‌گیری، آزادی در پرداختن به فعالیت‌های مورد علاقه، توجه به نیازهای فرد، مشارکت در فعالیت‌های درون خانگی و هر چیز دیگری که برای فرد رضایت‌بخش باشد اشاره نمود.

براساس نظریه برابری، افراد به علت خودخواهی در روابط خود به دنبال کاهش هزینه‌ها و افزایش سودهایشان (دریافتی مثبت) می‌باشند (ثیولت و کلی، ۱۹۵۹). به علاوه، این نظریه فرض گرفته است، با این وجود که افراد افزایش سودها را در روابط خود خواستارند، ولی به تعادل در سودها و هزینه‌ها نیز تمایل دارند (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۰۹). به همین دلیل می‌توان چنین فرض کرد که افراد اگر بتوانند فعالیت‌های خود را با دیگری کم یا مساوی کنند و هم چنین منافع بیشتر و مساوی در رابطه‌ی خود به دست آورند احساس رضایت‌بخشی پیدا کرده، بالعکس اگر فعالیت بیشتر و منافع کمتری داشته و بدست آورند دچار پریشانی و نارضایتی در رابطه‌ی خود خواهند شد(سویچر^۵، ۱۹۹۱).

^۱ دلخیم لیغنس.

^۲ نیتفد.

^۳ قاعم لیغنم لیغنس.

^۴ لیغ نیند عکع ملک.

^۵ ج چلخه مذ.

در این نظریه وقتی افراد هزینه‌ها و سودهای متناسب یا نسبتاً متعادلی را در رابطه‌ی خود ارائه و دریافت کنند، نسیت به رابطه‌ی خود احساس عدالت می‌کنند. اما وقتی احساس کنند سود بیشتری دریافت و هزینه کمتری ارائه کرده‌اند یا به عبارتی چیزی بیشتر از حق خود دریافت کرده‌اند، احساس سودبری^۱ از شریک رابطه‌ی خود دارند و اگر سود کمتری دریافت و هزینه‌ی بیشتری ارائه کرده‌اند یا به عبارتی چیزی کمتر از حق خود دریافت کرده‌اند، احساس ضررده‌ی^۲ نسبت به شریک رابطه دارند. افراد به دوشکل در روابط خود دچار نارضایتی و پریشانی می‌شوند. یکی احساس ضررده‌ی و دیگری احساس سودبری که تعارض و پریشانی ایجاد شده در روابط ضررده بیشتر از روابط سودبخش است (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۱۱). نظریه قدرت نیز به بررسی مقدار سهم هر یک از افراد در تصمیمات مشترک (تصمیم در مورد خرید، موقعیت‌های شغلی، تحصیلی و ...) می‌پردازد و در چهار چوب نظریه‌ی برابری فرض بر این است که افراد در روابطی که احساس کنند قدرت (سهم فرد در تصمیم‌گیری) به شکل ناعادلانه‌ایی تقسیم شده است احساس نارضایتی می‌کنند (پیمنتال، ۲۰۰۰).

تحقیقان زیادی در تحقیقات خود بین عدالت و رضایت زناشویی (گرینستین^۳، ۲۰۰۹، آسوده و همکاران^۴، ۲۰۱۰) و مؤلفه‌های مرتبط با رضایت زناشویی از جمله شادکامی زناشویی (فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۲؛ دیو^۵ و یلکوکس^۶، ۲۰۱۱)؛ کیفیت زناشویی (پینا^۷ و بنگستون^۸، ۱۹۹۳)؛ تعهد زناشویی (سباتلی^۹ و پیگو^{۱۰}، ۱۹۸۵)؛ پایداری زناشویی (آتنه و همکاران^{۱۱}، ۱۹۸۴؛ هس و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۹)؛ صمیمیت زناشویی (لارسون و همکاران^{۱۳}، ۱۹۹۸)، ارتباط یافتد. عده‌ای نیز بین احساس ناعدالتی در روابط و متغیرهایی از جمله احتمال افزایش طلاق (فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۲)؛ افسردگی بیشتر در زنان (اسچفر^{۱۴}، ۱۹۸۰)؛ خشونت خانوادگی (براینت^{۱۵}، ۲۰۰۱)؛ کاهش به کارگیری راهبردهای نگه دارنده‌ی رابطه و عدم اعتماد زناشویی (دایتون^{۱۶}، ۲۰۰۳) ارتباط یافته‌اند.

۱. هفچخ ع ب لاغ ن د.
۲. هفچخ ع ب لاغ ن کز.
۳. رکفلم اتفع لاذ.
۴. قمع ث. چ. غنگا را.
۵. ج. غ ب.
۶. ب س، وقفس.
۷. ج. پ. کفخ.
۸. ج. ز. گلم لاغ ب.
۹. چ. فدق قمع ع ذ.
۱۰. ت. ب. گفخ.
۱۱. قق مع خ کمز.
۱۲. آج، لاغ ث.
۱۳. قمع گ لاعج.
۱۴. ب. د. لاغ ع غذ.
۱۵. اام کع لاد.
۱۶. گکم کب.

همان طور که ذکر شد، یکی از اصلی‌ترین فرض‌های نظریه‌ی برابری این است که افراد در موقعیت‌هایی که احساس ناعادلانه‌ای کنند، آشفتگی و نارضایتی بیش‌تری را در مقایسه با افرادی که احساس عادلانه‌ای دارند احساس می‌کنند. بر مبنای این فرض تحقیقات گستره‌ای انجام شده‌است، برای مثال وان پیرن و همکارانش (۱۹۹۰) در مطالعه‌ی طولی خود بر روی ۷۳۶ فرد متاهل به این نتیجه رسیدند که افراد در روابط عادلانه، دارای رضایت زناشویی بیش‌تری از افراد در روابط ناعادلانه هستند. نکته جالبی که در این تحقیق به آن اشاره شده، این است که به شکل محتاطانه‌ای می‌توان ارتباط بین رضایت و عدالت را علیّی دانست. در مطالعه‌ای بنجامین^۱ (۲۰۰۴)، به این نتیجه رسیده است که برای همه افراد در نژادهای مختلف آمریکایی عدالت در روابط زناشویی، یک ملاک معناداری برای بالا بودن کیفیت زناشویی است. او هم‌چنین در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که زنان ناعادالتی بیش‌تری را نسبت به مردان در روابط زناشویی خود احساس می‌کنند.

کاریرو^۲ (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود به بررسی رابطه‌ی رضایت زناشویی و احساس عدالت در مسؤولیت‌های درون خانوادگی پرداخته است و به این نتیجه دست یافت که بین این دو متغیر هم برای زنان و هم برای مردان رابطه مثبتی وجود دارد ولی زنان ناعادالتی بیش‌تری را نسبت به مردان در تقسیم مسؤولیت‌های خانوادگی احساس می‌کنند.

از آن جایی که بافت اجتماعی جامعه ما متفاوت با دیگر جوامع خصوصاً جوامع غربی و بیشتر این تحقیقات در کشورهای غرب انجام گرفته است، لذا این پژوهش به شناخت بیشتر نقش عدالت در رضایت و نارضایتی بین زوجین در ایران خاصه شهر بندرعباس کمک می‌کند. به طور کلی این پژوهش به بررسی و مقایسه عدالت زناشویی بین زوجین در رضایت‌مند و دارای تعارض براساس تفکیک جنسیت (زن و مرد) در شهر بندرعباس می‌پردازد.

سؤال اصلی پژوهش این است که آیا عدالت و مولفه‌های عدالت بین زوجین رضایت‌مند و زوجین دارای تعارض زناشویی براساس تفکیک جنسیت (زن و مرد) متفاوت است؟

روش

طرح این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی و علی - مقایسه‌ایی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمامی زوجین مراجعه کننده به کلینیک‌های مشاوره و زوجین شرکت کننده در کارگاه‌های آموزش خانواده بهزیستی شهر بندرعباس، در فاصله‌ی زمانی اردیبهشت تا مهر ۸۹ می‌باشد. از آن جایی که در این پژوهش امکان نمونه‌گیری

^۱ خجکفکعفعب.
^۲ گلاغفلالاع.

تصادفی وجود نداشته، لذا با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۶۵ زوج از شرکت کنندگان در کارگاه‌های آموزش به صورت فرضی به عنوان زوجین رضایت‌مند و ۶۵ زوج از مراجعه کنندگان به مراکز مشاوره به صورت فرضی به عنوان گروه زوجین دارای تعارض انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها پس از گرفتن مجوزهای لازم و حضور در مراکز مشاوره و کارگاه‌های آموزشی و جلب رضایت‌مسئولین و زوجین مراجعه کننده، پرسشنامه‌های پژوهش به زوجین داده شد و سعی شد زن و شوهر جداگانه آن را تکمیل کنند. از آنجا که زوجین رضایت‌مند و متعارض به صورت فرضی انتخاب شده بودند، لازم بود برای شناخت دقیق‌تر وضعیت رضایت‌مندی آن‌ها نمرات کسب شده، در شاخص رضایت زناشویی محاسبه شود که محقق پس از جمع‌آوری داده‌ها از این طریق این دو گروه را تفکیک نموده است. علاوه بر آن زوجینی که یکی از آنها رضایت‌مند و دیگری داری تعارض شناخته شده بود و همچنین زوجینی که فرزندی نداشتند^۱ از جریان تحلیل حذف شدند. جهت حذف متغیرهای مداخله‌گر، دو گروه داری تعارض و رضایت‌مند از نظر سطح تحصیلات، سن، تعداد فرزند و شغل، به عنوان متغیرهای تاثیرگذار در رضایت و تعارض زناشویی همگن شد و در پایان به شکل مساوی ۵۰ زوج به عنوان گروه رضایت‌مند و ۵۰ زوجین به عنوان گروه دارای تعارض تفکیک شدند.

ابزار

پرسشنامه‌ی عدالت زناشویی. پرسشنامه‌ی عدالت زناشویی ساخته‌ی محقق در این پژوهش، پرسشنامه‌ی ۲۶ سؤوالی است و اقباسی از چهار پرسشنامه‌ی استفاده شده در تحقیقات پیشین می‌باشد. این پرسشنامه که به صورت چند‌آیتمی ساخته شده است، دارای ۴ خرده مقیاس بوده، و درسوالات هر خرده مقیاس دو سری سوال که یکی مفهوم برابری و دیگری احساس انصاف را در رابطه می‌سنجد. خرده مقیاس‌های این پرسشنامه شامل «عدالت در تقسیم مسئولیت‌های خانواده»، «عدالت در تقسیم قدرت»، «عدالت در احترام به اطرافیان یکدیگر»، «عدالت در توجه به نیازهای یکدیگر» می‌باشد. نمره‌گذاری در این پرسشنامه با مقیاس لیکرت و در یک طیف $+3$ تا -3 - تقسیم بندی می‌شود که هر چه نمرات به $+3$ نزدیکتر باشد، رابطه از نظر فرد برای دیگری ناعادلانه‌تر و هر چه نمرات به -3 - نزدیکتر باشد، رابطه برای خود فرد ناعادلانه‌تر به نظر می‌رسد و نمره‌ی بین -5 و $+5$ نیز نشان دهنده‌ی عادلانه بودن رابطه است. همان‌طور که در تحقیقات مختلف مختلف اشاره شده است، با وجود اینکه برخی روابط برابر نیست ولی عادلانه به نظر می‌رسد، به این خاطر محققان مختلف متغیر عدالت را در سنجش عادلانه بودن روابط رواتر از مفهوم برابری می‌دانند (ثیبولت، کلی، ۱۹۵۹؛ فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۳؛ بنجامین، ۲۰۰۶؛ هاتفیلد و همکاران، ۲۰۰۸). لذا محقق در این تحقیق متغیر عدالت را وارد تجزیه و تحلیل نموده است. محقق برای یه‌دست آوردن روایی

^۱. از آنجا که در پرسشنامه عدالت زناشویی در مولفه‌ی عدالت در تقسیم مسئولیت‌های خانواده دو سؤال به فرزندان اختصاص دارد زوجین بدون فرزند از فرایند تحلیل حذف شده‌اند.

صوری و محتوای پرسشنامه ابتدا آن را در اختیار منخصسان حوزه خانواده در داخل کشور قرار داده است و از بین آن‌ها ۱۰ نفر روایی پرسشنامه را تایید و پیشنهاداتی جهت کامل و بهتر شدن آن ارائه کردند که مورد استفاده قرار گرفت. سپس جهت کسب نظر به دکتر هائفیلد ارسال گردید، ایشان نیز پیشنهاداتی برای بهتر شدن آن داشتند که لحاظ گردید. پایابی این پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۰ و برای خرده مقیاس‌های عدالت در تقسیم مسئولیت‌های خانواده، ۰/۷۶، عدالت در تقسیم قدرت، ۰/۸۲، عدالت در احترام به اطرافیان یکدیگر، ۰/۸۱ و عدالت در توجه به نیازهای یکدیگر ۰/۸۱ به دست آمده است.

پرسشنامه‌ی (شاخص) رضایت زناشویی هودسن. شاخص رضایت زناشویی که توسط هودسن (۱۹۹۲) تهیه شده است، یک ابزار ۲۵ سؤالی است که برای اندازه‌گیری میزان، شدت یا دامنه مشکلات زن و شوهر در رابطه‌ی زناشویی تدوین شده، دارای روایی سازه‌ای خوبی است و با مقیاس‌هایی که نباید همبستگی داشته باشد، همبستگی ضعیفی دارد (صداقت، ۱۳۸۱) و همچنین با چندین مقیاس که باید همبستگی خوبی داشته باشد، مانند مقیاس رضایت جنسی و رضایت زناشویی اینریچ همبستگی معناداری نشان می‌دهد (ثایی، ۱۳۷۹). شاخص رضایت زناشویی با ضریب همبستگی ۰/۹۶ در بازآزمایی دو ساعته از یک اعتبار کوتاه‌مدت عالی برخوردار بوده است. پایابی این آزمون نیز از طریق آلفای کرونباخ توسط ثایی (۱۳۸۷)؛ ابراهیم نژاد (۱۳۸۱)؛ حقیقی (۱۳۸۹) و خود محقق بالاتر از ۰/۷۶ به دست آمده که نشان دهنده همسانی درونی آن است. پاسخ‌ها در یک طیف ۷ لیکرتی از هیچ گاه و همیشه تنظیم شده است و نمره گذاری آن نیز به این شکل است که نمرات ۳۵ به پایین نشانه‌ی عدم مشکلات مهم بالینی در رابطه و نمرات ۳۵ به بالا دلالت بر وجود مشکلات بالینی قبل ملاحظه دارد (ثایی، ۱۳۷۹).

همان طور که ذکر شد، ابتدا زوج‌ها با توجه به نمره آزمون رضایت زناشویی به دو گروه رضایت‌مند و دارای تعارض تقسیم شدند، پس از آن به دلیل آن که مقایسه‌ی میانگین بیش از دو گروه (زن و مرد؛ رضایت‌مند و داری تعارض) مد نظر بوده، از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (۱۶ حاچ) استفاده شده است. سطح معناداری ۰/۰۵ بخ در نظر گرفته شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری ۱۶ اذخ استفاده شده است.

یافته‌ها

ویژگیهای جمعیت شناختی زوج‌های شرکت‌کننده در این پژوهش نشان داد که در متغیر سطح تحصیلات، ۱۹,۵ درصد از زوجین رضایتمند و ۲۳ درصد از زوجین دارای تعارض تحصیلات بالاتر از دیپلم و بقیه نیز دیپلم و پایین‌تر را دارا بودند. در متغیر طول زناشویی نیز به ترتیب ۲۰ و ۱۹ درصد از زوجین رضایتمند و دارای تعارض ۱۵ سال؛ ۱۸ و ۱۷ درصد عتا ۱۰ سال و ۱۲,۵ و ۱۵ درصد، بالاتر از ۱۱ سال از طول زناشویی‌یشان می‌گذشته است. در متغیر شغل در گروه مردان رضایتمند، ۲۸ درصد از افراد کارمند؛ ۱۸ درصد آزاد و ۴ درصد کارگر بودند و در گروه مردان دارای تعارض نیز ۲۹ درصد از افراد کارمند؛ ۱۹ درصد آزاد؛ و ۲ درصد نیز کارگر بودند. در گروه زنان رضایتمند، ۱۲ درصد از افراد کارمند؛ ۴ درصد کارگر و ۳۶ درصد کارگر بودند و در زنان دارای تعارض نیز ۱۹ درصد از افراد کارمند؛ ۷ درصد کارگر و ۲۴ درصد نیز خانه‌دار بودند.

جدول شماره ۱ یافته‌های توصیفی دیگر از جمله میانگین و انحراف معیار نمرات افراد شرکت‌کننده در پژوهش را در مقیاس عدالت زناشویی، به تفکیک گروه و جنسیت نشان می‌دهد. عدالت و مولفه‌های آن در بین زوجین رضایتمند و دارای تعارض و همچنین در بین زنان و مردان مورد مقایسه قرار گرفته که نتایج آن در جدول ۲ و ۳ آمده است.

در مولفه‌ی عدالت همان‌طور که مشاهدات جدول ۱ نشان می‌دهد، بر حسب متغیر مستقل نوع زوجین، بین زوجین رضایتمند و دارای تعارض تفاوت معناداری وجود دارد ($\chi^2 = ۶۷۴/۲۹۷$ و $p < 0.01$) و براساس متغیر مستقل جنسیت نیز بین زن و مرد تفاوت معناداری دیده می‌شود ($\chi^2 = ۳۲۲/۴۹$ و $p < 0.01$). اثر تعاملی بین جنسیت و نوع گروه نیز در عدالت معنادار می‌باشد ($\chi^2 = ۷۳/۰۲$ و $p < 0.01$). به شکل کلی می‌توان گفت که دو اثر اصلی و اثر تعاملی نوع و گروه وقتی با هم وارد تحلیل شده‌اند، در متغیر عدالت تفاوت معناداری نشان داده است. که این یافته‌ها پاسخ سوال اول پژوهش می‌باشد.

جدول ۱ - میانگین و انحراف معیار نمرات عدالت زناشویی، به تفکیک گروه و جنسیت

متغیرها	عدالت											
	عدالت در تقسیم به اطرافیان				عدالت در تقسیم قدرت				عدالت در تقسیم مسئولیت‌ها			
	عدالت در احترام نیازها		عدالت در توجه به ب.ذ		عدالت در توجه به ب.ذ							
	ب.ذ	چ	ب.ذ	چ	ب.ذ	چ	ب.ذ	چ	ب.ذ	چ	ب.ذ	چ
زن	۰/۲۸	۳/۹۹	۰/۵۴	۳/۷۹	۰/۳۲	۳/۷۰	۰/۳۸	۳/۸۶	۰/۲۳	۳/۸۵		
زوجین رضاایتمند	۰/۳۶	۴	۰/۴۱	۳/۹۶	۰/۶۷	۳/۸۸	۰/۳۰	۴	۰/۳۰	۳/۹۵	مرد	
	۰/۳۲	۳/۹۹	۰/۴۸	۳/۸۷	۰/۵۳	۳/۷۹	۰/۳۵	۳/۹۳	۰/۲۷	۳/۹۰	مجموع	
زن	۰/۶۹	۲/۹۸	۰/۶۹	۳/۱۵	۰/۶۹	۲/۵۶	۰/۶۹	۲/۷۴	۰/۶۹	۲/۸۵		
زوجین دارای تعارض	۰/۵۱	۳/۱۰	۰/۶۰	۳/۵۰	۰/۳۹	۳/۷۶	۰/۴۲	۳/۷۲	۰/۳۱	۳/۴۳	مرد	
	۰/۵۱	۳/۰۴	۰/۷۲	۳/۳۲	۰/۸۱	۳/۱۶	۰/۷۲	۳/۲۳	۰/۴۹	۳/۱۴	مجموع	
زن	۰/۶۵	۳/۴۹	۰/۷۵	۳/۴۷	۰/۷۷	۳/۱۳	۰/۷۵	۳/۳۰	۰/۶۲	۳/۵۵		
مجموع	۰/۶۲	۳/۵۵	۰/۵۶	۳/۷۳	۰/۵۵	۳/۸۲	۰/۳۹	۳/۸۶	۰/۴۰	۳/۶۹	مرد	

جدول ۲ - تحلیل واریانس دو راهه نوع گروه(رضاایتمند و دارای تعارض) و جنسیت(زن و مرد) بر عدالت

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	سطح معنی‌داری مقدارخ
نوع (رضاایتمند و دارای تعارض)	۲۸,۵۸۸	۱	۲۸,۵۸۸	۰/۰۱
جنسیت (مرد و زن)	۵/۷۰۲	۱	۵/۷۰۲	۰/۰۱
اثر تعامل (جنسیت و نوع گروه)	۲/۸۹۸	۱	۲/۸۹۸	۰/۰۱

جدول ۳. تحلیل واریانس دو راهه گروه (رضایت‌مند و دارای تعارض) و جنسیت (زن و مرد) بر مولفه‌های عدالت

مولفه‌های عدالت	منبع	مجموع مجذورات	درجه آزدی	میانگین مجذورات	مقدار مقدار	سطح معنی‌داری
عدالت در تقسیم مسؤولیت‌ها	نوع (رضایت‌مند و دارای تعارض)	۲۴/۵۳۳	۳	۲۴/۵۳۳	۱۲۲/۰۹۱	۰/۰۱
	جنسیت (زن و مرد)	۱۵/۷۰۶	۱	۱۵/۷۰۶	۷۸/۱۶۴	۰/۰۱
	اثر تعاملی (جنسیت و نوع گروه)	۸/۵۲۳	۱	۸/۵۲۳	۴۲/۴۱۶	۰/۰۱
عدالت در تقسیم قدرت	نوع (رضایت‌مند و دارای تعارض)	۲۰/۰۵۶	۱	۲۰/۰۵۶	۶۸/۸۶۱	۰/۰۱
	جنسیت (زن و مرد)	۲۳/۵۷۶	۱	۲۳/۵۷۶	۸۰/۹۴۷	۰/۰۱
	اثر تعاملی (جنسیت و نوع گروه)	۱۳/۱۷۶	۱	۱۳/۱۷۶	۴۵/۲۳۸	۰/۰۱
عدالت در احترام به اطرافیان	نوع (رضایت‌مند و دارای تعارض)	۱۵/۱۲۵	۱	۱۵/۱۲۵	۴۰/۸۳۹	۰/۰۱
	جنسیت (زن و مرد)	۳/۳۸۰	۱	۳/۳۸۰	۹/۱۲۶	۰/۰۰۳
	اثر تعاملی (جنسیت و نوع گروه)	/۴۰۵	۱	/۴۰۵	۱/۰۹۴	۰/۲۹۷
عدالت در توجه به نیازها	نوع (رضایت‌مند و دارای تعارض)	۴۵/۳۱۵	۱	۴۵/۳۱۵	۲۲۴/۱۲۱	۰/۰۱
	جنسیت (مرد و زن)	/۲۰۵	۱	/۲۰۵	۱/۰۹۴	۰/۲۹۷
	اثر تعاملی (جنسیت و نوع گروه)	/۱۸۰	۱	/۱۸۰	/۰۹۶۲	۰/۳۲۸

در مورد سوال دوم پژوهش همان‌طور که در جدول شماره (۳) نشان داده شده است، بر حسب متغیر مستقل نوع زوجین تفاوت معناداری در عدالت و هر چهار مولفه‌ی عدالت در تقسیم مسؤولیت‌های خانواده؛ عدالت در تقسیم قدرت، عدالت در احترام به اطرافیان و عدالت در توجه به نیازهای یکدیگر وجود دارد و زوجین دارای تعارض عدالت کمتری را نسبت به زوجین رضایت‌مند نشان داده‌اند. براساس متغیر مستقل جنسیت، در عدالت در تقسیم مسؤولیت‌های خانواده، عدالت در تقسیم قدرت و عدالت در احترام به اطرافیان معنادار بوده، زنان نارضایتی بیشتری را نسبت به مردان احساس می‌کنند. اثر تعاملی بین جنسیت و نوع گروه، در عدالت در تقسیم مسؤولیت‌های خانواده و عدالت در تقسیم قدرت نیز معنادار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه عدالت زناشویی و مولفه‌های آن در بین دو گروه رضایتمند و دارای تعارض براساس تفکیک جنسیت (زن و مرد) بوده است. یافته‌های پژوهشی حاصل از تحلیل واریانس چند متغیری نشان می‌دهد، بین زوجین رضایتمند و دارای تعارض زناشویی در میزان عدالت تفاوت معناداری وجود دارد، یعنی زوجین دارای تعارض، عدالت کمتری را نسبت به زوجین رضایتمند در روابط زناشویی خود احساس می‌کنند. علاوه بر آن، نشان داده شد که عدالت در بین زنان و مردان نیز به طور معناداری متفاوت بوده است. این یافته‌ها با نتایج وان یپرین و بوانک (۱۹۹۰) که در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که افرادی که در روابط خود احساس ناعادلانه‌ای دارند نسبت به افرادی که عدالت بیشتری را در روابط خود احساس می‌کنند، رضایت کمتری را تجربه می‌کنند همسو می‌باشد. در این پژوهش محققان بین عدالت و رضایت زناشویی رابطه‌ی علی‌برقرار کردند و فرض را بر این گذاشتند که عدالت باعث ایجاد رضایت در رابطه می‌شود. بنجامین (۲۰۰۶)، نیز در تحقیقی دیگر به این نتیجه دست یافته است که عدالت در بین افراد دارای تعارض کمتر از افراد رضایتمند می‌باشد. علاوه بر آن وی به این نتیجه رسید که بهدلیل ارتباط بالای عدالت و رضایت می‌توان ارتباط آنرا علی‌فرض کرد. هاتفیلد و همکاران (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود دریافتند که زوجین دارای تعارض نسبت به زوجین رضایتمند عدالت کمتری را در روابط خود احساس می‌کنند. علاوه بر آن، وان یپرین و بوانک (۱۹۹۴)، فریسکو و ویلیامز (۲۰۰۲) و بنجامین (۲۰۰۶)، نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست پیدا کردند که احساس عدالت در بین مردان و زنان به شکل معناداری متفاوت است و زنان در مورد ناعادلانه بودن روابط شکایت‌های بیشتری دارند.

در مورد مولفه‌های عدالت نیز یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، در مولفه عدالت در تقسیم مسئولیتهاي خانواده؛ عدالت در تقسیم قدرت؛ عدالت در احترام به اطرافیان و عدالت در توجه به نیازهای یکدیگر تفاوت معناداری در بین گروه رضایتمند و دارای تعارض وجود دارد و افراد دارای تعارض احساس ناعادلانه بودن بیشتری در رابطه‌ی زناشویی خود نشان داده‌اند. هم‌چنین یافته‌های پژوهش نشان داده است که در سه مولفه عدالت در تقسیم مسئولیتهاي خانواده، عدالت در تقسیم قدرت، عدالت در احترام به اطرافیان یکدیگر تفاوت معناداری در بین زن و مرد وجود داشته، در این سه مولفه زنان احساس ناعادلانه بودن بیشتری را نسبت به مردان احساس می‌کنند. در خصوص مولفه عدالت در مسئولیتهاي خانواده یافته‌های ما با یافته‌های فریسکو و ویلیامز (۲۰۰۲)؛ گرینستین (۲۰۰۹) و کاریو (۲۰۱۱) که در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که افراد دارای تعارض و زنان احساس ناعادلانه بودن بیشتری را نسبت به افراد رضایتمند و مردان در تقسیم مسئولیتهاي خانواده در روابط‌شان نشان داده‌اند همسو بوده است.

یافته‌های ما در خصوص متغیر عدالت در تقسیم مسؤولیت‌های خانواده در ایران با یافته‌های رجی و همکاران (۱۳۹۰)، که به این نتیجه دست پیدا کرده‌اند که زوجینی که همسران آن‌ها ایدئولوژی تساوی‌گرایانه‌ایی نسبت به مسؤولیت‌های درون خانوادگی داشته‌اند کیفیت زناشویی بالاتری نشان می‌دهند و همچنین یافته‌های قبادی و همکارانش (۱۳۹۰) که در تحقیق خود بین احساس ناعادالتی در تقسیم کارهای خانوادگی و نارضایتی زناشویی در بین زنان ارتباط مثبتی یافته‌اند، همسو بوده است. در خصوص مولفه‌ی عدالت در تقسیم قدرت نیز یافته‌های ما با یافته‌های تانگ^۱ (۱۹۹۹)؛ پیمتال^۲ (۲۰۰۰)؛ آسوده و همکاران (۲۰۱۰) و بولاندا^۳ (۲۰۱۱) که در پژوهش‌های خود به این نتایج دست یافتند که افراد در روابطی که احساس کنند قدرت (سهم فرد در تصمیم‌گیری) به شکل ناعادلانه‌ایی تقسیم شده است احساس نارضایتی می‌کنند و این که زنان احساس ناعادلانه بودن بیشتری را در تقسیم قدرت نشان داده‌اند، همسو بوده است. در تبیین یافته‌های فوق در خصوص عدالت و همه مولفه‌های آن از دیدگاه نظری می‌توان گفت که براساس نظریه‌ی برابری، وقتی افراد احساس کنند سود بیشتری دریافت و هزینه کمتری ارائه کرده‌اند، یا به عبارتی چیزی بیشتر از حق خود دریافت کرده‌اند و وقتی سود کمتری دریافت و هزینه کمتری ارائه کرده‌اند یا به عبارتی چیزی کمتر از حق خود دریافت کرده‌اند دچار نارضایتی و پریشانی می‌شوند (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر نیز می‌توان گفت افرادی که بتوانند فعالیت‌های خود را کم یا مساوی کنند و هم چنین افرادی که بتوانند منافع بیشتر و یا مساوی در رابطه بددست آورد احساس رضایت‌بخش پیدا می‌کنند و بالعکس اگر افراد فعالیت بیشتر و منافع کمتری داشته و به دست آورند دچار پریشانی و نارضایتی در روابط خود می‌شوند (سویچر^۴، ۱۹۹۱).

از طرف دیگر در همسویی یافته‌های فوق با دیدگاه نظری می‌توان گفت، نظریه‌ی قدرت در چهار چوب نظریه‌ی برابری پیش‌بینی کرده است افرادی که در روابط خود احساس ناعادلانه نسبت به تقسیم قدرت دارند احساس نارضایتی می‌کنند. از نتایج دیگر این پژوهش این بود که میزان عدالت در بین زنان و مردان در همه‌ی مولفه‌های عدالت به جز توجه به نیازها معنادار بوده، زنان بیشتر از مردان احساس ناعادلانه‌ای نشان داده‌اند. در ارتباط با این یافته نیز نظریه برابری و نظریه‌ی قدرت بر این اعتقاد است که امروزه الگوهایی از جمله تقسیم مسؤولیت‌ها، تقسیم منافع، تقسیم قدرت در خانواده و روابط زناشویی تغییر کرده‌اند ولی با این وجود، تغییرات مشابهی در ساختار خانواده و باورهای جنسیتی در مورد تقسیم قدرت، تقسیم مسؤولیت‌ها به وجود نیامده است که این خود باعث ایجاد نارضایتی در بین زوجین، خصوصاً زنان شده است (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۱۱). اثر تعاملی نیز بین جنسیت (زن و مرد) و نوع گروه (رضایتمند و دارای تعارض) در عدالت و دو

۱. جذ. بد. بخ. ر.
۲. پ. بخ. م. ک. بخ. ف. خ.
۳. د. بخ. ع. بخ. ع. ق. ب.
۴. ج. ع. ل. ل. ب. م. ذ.

مولفه‌ی عدالت در تقسیم مسؤولیتهای خانواده، عدالت در قدرت معنادار می‌باشد. اثر تعاملی در عدالت و مولفه‌های عدالت به این معناست که هم زنان رضایتمند و هم زوجین متعارض عدالت کمتری را نسبت به مردان احساس می‌کنند ولی این تفاوت در بین زوجین دارای تعارض بیشتر است و می‌توان از این نتایج چنین استنباط کرد که عدالت بیشتر در نارضایتی زنان تاثیر داشته و متغیری تاثیرگذاری در ایجاد نارضایتی مردان نبوده است.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس می‌باشد که باعث کاهش تعمیم‌پذیری آن نیز شده است. از محدودیت‌های دیگر پژوهش تعارض زیاد برخی زوج‌ها و در شرف طلاق بودن آن‌ها بود که بهتر بود در سه گروه رضایتمند، متعارض و در شرف طلاق مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گرفتند. از یک سوی به این دلیل که بیشتر افراد شرکت کننده در کارگاه آموزش خانواده و مراکز مشاوره، تحصیل کرده و در فاصله سنی ۲۲ تا ۳۲ بودند و از سوی دیگر به دلیل تاثیرگذار بودن نقش دوره‌های تحولی خانواده و تحصیلات بر عدالت زناشویی (فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۲)، این عوامل نیز می‌توانند مورد لحاظ قرار گیرد که در این تحقیق لحاظ نشده است.

به طور کلی با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان چنین گفت که در ایران شاهد تغییراتی در ساختار خانواده، همچون تغییر در الگوهای تقسیم مسؤولیت و قدرت و افزایش تساوی‌گرایی در زنان بوده‌ایم، اما هنوز باورهای جنسیتی در مورد نقش زنان در خانواده، تغییر مشابه و همراستایی نداشته‌اند. این عامل موجب ایجاد احساس ناعدالتی و به تبع آن نارضایتی در زوجین خصوصاً زنان شده است.

منابع

- احمدی، احمد، شرفی، محمد رضا، و خوشین، سهیلا. (۱۳۸۸). **دانش خانواده**. تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- آسفزاده، سعید. (۱۳۸۵). **اقتصاد خانواده**. تهران: نشر حدیث امروز.
- ثنایی، باقر. (۱۳۷۹). **مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج**. تهران: انتشارات بعثت، چاپ اول.
- رجی، غلامرضا؛ قربانی، فردین؛ خجسته مهر، رضا (۱۳۹۰). **بررسی رابطه‌ی ایدولوژی‌های جسمی، نقش‌های زناشویی، هوش هیجانی و کیفیت زندگی**. فصلنامه مشاوره و خانواده درمانی، ۱(۱)، ۳۹-۵۳.
- رسولی، محسن؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ ثنایی، باقر. (۱۳۸۷). **رابطه بین الگوهای ارتباط زوجهای دانشجو و الگوهای ارتباط والدین آنها**. تحقیقات زنان، ۴(۲)، ۸۳-۹۹.

فربد، محمدصادق. (۱۳۸۱). درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی. تهران: پشتون

قبادی، کاوه؛ دهقانی، محسن؛ منصور، لادن؛ عباسی، مریم. (۱۳۹۰). تقسیم کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک شده از آن و رضایت زناشویی. فصلنامه خانواده پژوهی، ۲۶، ۷۸-۹۸.

نظری، علی محمد. (۱۳۸۸). مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی. تهران: انتشارات نشر علم، چاپ دوم. ۱۹-۴۳.

مرکز آمار و اطلاعات زنان. آمار افراد شاغل به تفکیک جنسیت، ۸۹۳۸. ع. ۳۷-۳۳.

لغایه‌نمایی لایه‌ای اخلاقی در اینجا مذکور نمی‌شود. (۲۰۱۰). چند اثباتی درباره این اتفاق. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 5 (2010), 2042-2046

لغایه‌نمایی لایه‌ای اخلاقی در اینجا مذکور نمی‌شود. (۲۰۰۷). دخالت & تحقیق در اینجا مذکور نمی‌شود. *An International Journal on Personal Relationships*. www.interpersona.org.

کیفیت این اخلاقی اینجا مذکور نمی‌شود. (۲۰۰۰). *Presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy: The Ohio State University*.

نهادهای اخلاقی اینجا مذکور نمی‌شود. (۱۹۹۹). *Journal of Health and Social Behavior*, 40, ۴۵-۳۲.

نهادهای اخلاقی اینجا مذکور نمی‌شود. (۱۹۹۴). *Child Development*, 65, ۷۸-۷۷.

نهادهای اخلاقی اینجا مذکور نمی‌شود. (۲۰۰۱). *Presented for the degree of doctor of social physiology Ed.D: University of Louisville*.

نهادهای اخلاقی اینجا مذکور نمی‌شود. (۲۰۱۱). *J Women Aging*. 23(1), 3-22.

نهادهای اخلاقی اینجا مذکور نمی‌شود. (۲۰۱۱). *Marriage & Family Review*. 24(1), 3-12.

نهادهای اخلاقی اینجا مذکور نمی‌شود. (۲۰۰۴). *Oxford University Press*.

نهادهای اخلاقی اینجا مذکور نمی‌شود. (۲۰۰۳). *Western Journal of communication*, 66, ۱۸۶-۱۶۴.

قوع معدله کارکردی گذشتگی علاوه بر تحقیق ملحنی قدرتمندی از این امور در اروپا. *European societies*, 12(1), 65-84.

کارکرد معرفتی علاوه بر تحقیق ملحنی این امور در ایالات متحده آمریکا (۱۹۹۱) بروکس و همکاران (۱۹۹۱)، *Journal of Marriage and Family*, 1-12

فراهم آوردن این امور در ایالات متحده آمریکا (۱۹۹۴) بروکس و همکاران (۱۹۹۴)، *Psychological Bulletin*, 116, 387-411.

۱. کارکرد معرفتی علاوه بر تحقیق ملحنی این امور در ایالات متحده آمریکا (۱۹۹۵) بروکس و همکاران (۱۹۹۵)، *Psychological Bulletin*, 118, 108-132.

کارکرد معرفتی علاوه بر تحقیق ملحنی این امور در ایالات متحده آمریکا (۱۹۹۶) بروکس و همکاران (۱۹۹۶)، *Journal of family psychology*, 8, 55-73.

علاوه بر این امور، در ایالات متحده آمریکا (۱۹۹۷) بروکس و همکاران (۱۹۹۷)، *Journal of family issues*, 24(1), 51-73.

بررسی کارکرد معرفتی علاوه بر تحقیق ملحنی این امور در ایالات متحده آمریکا (۱۹۸۳) بروکس و همکاران (۱۹۸۳)، *Journal of health and social behavior*, 24, 122-131.

علاوه بر این امور، در ایالات متحده آمریکا (۱۹۹۰) بروکس و همکاران (۱۹۹۰)، *Journal of Marriage and Family*, 71(4), 1039-1051.

۱. کارکرد معرفتی علاوه بر تحقیق ملحنی این امور در ایالات متحده آمریکا (۱۹۹۰)، *Psychological Bulletin*, 108, 267-290.

بررسی کارکرد معرفتی علاوه بر تحقیق ملحنی این امور در ایالات متحده آمریکا (۱۹۹۱)، *Journal of sex research*, 18, 18-32.

بررسی کارکرد معرفتی علاوه بر تحقیق ملحنی این امور در ایالات متحده آمریکا (۱۹۸۲)، *Journal of sex research*, 18, 18-32.

بررسی کارکرد معرفتی علاوه بر تحقیق ملحنی این امور در ایالات متحده آمریکا (۱۹۹۱)، *Journal of Management, Spirituality, and Religion*, 8, 101-121.

تقییق گ : . ج کذ وغ لقخلاع علمی عکع فبمل پ .(1979). س لاخ اقس & .ج دکع گمعلار .پ .حقخ عث کاگفمعلم عکع عکورنگ ج (.لپ)کگفاس An international conference. Oxford: Pergamon, 309-321

مهمگ ع اذگ ق محقخلاع نسب غعم د ذگث (۲۰۰۹) پ ک ۱ فکدکعات عکع ث علمی عکع گمک خ . ا گچ ،الغث کگفمیع ف کمک گ ع فهمیل غ فکدلامع عک فکدکع ف کمک گ قع کگفمیع دکگ معع گ ظ لمفمل پ غلاع غ لخلا .. Communication methods and measures. 3(3), 173-194.

مععکف فک عکع لاغ ن گ لاعغ . ج . س ۵ لاغغ . ا . پ لاث .“Gend مععکف فک عکع لاغ ن گ لاعغ ”. Journal of feminist family therapy, 63-85.

حقخلمع ظلء عکع عکفلم علگ حقع عککفدل Dec (۱۹۹۰) . د . ر لاغ خ د ج کقچ ج . کعکت قمث .“لاغ ن گ عکخلاع ”. Journal of social psychology. 130(1), 89-102.

ا ، ففعع م ا عکع فبعل قیهلاع غنگ غ لاغ عکع فک عکع فک غر (۱۹۹۵) . ح . ر . ظلمع عکلاب & . د . ب غ لاع ج .“Psychological Bulletin, 118, 3-34.

فک مععکف کذ عکع فبمل غنیع غ لاغ .“P ج لاغ لاعث ث . ب عککعث ث ج کلاع ج ”. Journal of marital and family therapy, 24, 487-498.

”فقع مل ق لا عکع فف .“Equa فع عکع فف .“Psychological Bulletin, 70, 596-610.

ع لغ لک غلا ف عکخلاع عکف قدک فک عکفل دع “S (۱۹۸۴) . ب . ا . ق ع عا . ح . ج لاع نپ . س . ج لق ع غف ”. Social Psychology Quarterly, 47, 347-357.

خ گم مخیخ غنگ کگفمیخ لغن کذ عکع طک غر ۱ (۱۹۷۷) . ذ . ج . حقخ ب ع ع ج & ج گم ظلاغ پ . ذ . ب فکنم لامد .“لک غلا ف عکخلاع عکع غنیع عکخ ”. Journal of marriage and the family, 39, 543-548.

فک فک عکفل دع ظلء عکع فک عکفل دع اقع مونع .“D . ظلاع قخلاب . ا . ج غ غمل غ ب ج . R قخلاع ت ”. Journal of stud. Alcohol, 52, 441-447.

عکخ ب عکخلاز فک لکفمیخ د قخلاع ج غ غر نگ ج ذ ذگث ملح .“Journal of Marriage and the Family, 62, 32-47.

، لخک گک ع غ لغف ذ عکع گک ع غ فک فل ف ع غ غر (۱۹۹۳) . ج . ذ . کگم لغک غب & . ج ب ع کف خ ملک گک ظلگ لکفم گک ع غ لاغ گ عکع م کفه گک ع غ دغک غ ع .“Journal of Marriage and the Family, 55, 901-912.

غ غنیع عکخلاع فک کعکف کک گ ع غ عکع گک ع غ غنیع فک قع فمیع قع د .“T . پ . ف خ ف . ج . د فیق غ ع د ”. Journal of Marriage and the Family, 47, 931-937.

لئگهگ عەقلاعەن كەڭلە ئەلغاگەنە عەكەن فەملىپ . (١٩٨٠) . چىخەنچى دەنەجىنەن . Social psychology quarterly, 43, 430-450.

ج.ث & غفعـث .ج.س كـذ اـفـعـمـعـقـلـاـعـكـعـغـقـعـغـقـعـهـغـخـ(١٩٩٧) . تـرـلاـغـذـ & بـ. دـ، فـقـعـكـغـعـذـ
جـ، عـقـلـاـعـكـعـغـقـعـغـقـعـهـغـخـ(١٩٩٧) . تـرـلاـغـذـ & بـ. دـ، فـقـعـكـغـعـذـ
جـ، عـقـلـاـعـكـعـغـقـعـغـقـعـهـغـخـ(١٩٩٧) . تـرـلاـغـذـ & بـ. دـ، فـقـعـكـغـعـذـ

لائچ د عکع لامعگ فکری-فیض د غمگم قد غلگتیم عقلا مژ، هفقط میخ فهملاع د. (۱۹۹۷). پ. ج. هفتم د
لائچ د عکع لامعگ، *Sage Publications*.

غ نم اللّاعن لاعع ج عَنْ غَيْرِ أَدْتَقٍ كَفَلَفَيْبَ غَمْ هُبْ ذَكْفِمْ عَنْ فَلَمْ عَذْ عَكْ هَقْعَمْ مَذْقَهْلَاعْ دَ، 1991 ج ٢٣٥-٢٣٠.

غ لىغىدغى بىكىگ بىكەتتىخ گ غقىگ عاھىپ كەلەك گەمع فەن گەفەراللەغىغى عەكتۇر لاغۇز گەقەقەلاع چ. (1999). ذ. . بىنخىكىع رەھقىكىغى. *Journal of Interpersonal Violence*, 14, 586-602.

أ.گه گلا فرگ، گقگ غعه لخ ققگ ذ غغر. (۱۹۵۹) ثث غوغ د & س ج مقه عفغ غر. New York, NY: Wiley.

قد گفتم علی‌غلمان، عکس همیلینگ، ۱۹۹۰. خ. ب. و کمب، & س. ح. کلاین، ۱۹۹۵. *European Journal of Social Psychology*, 20, 287-309.

Boston: Allyn and Bacon.